

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه پنجاه و هفتم، ۲ دی ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/قراردادهای آتی /صحت معامله در بورس قبل از قبض

1- حدیث اخلاقی

1.1- یقین و رضایت از تقدیرات خداوند، عامل آسایش تن و آرامش روان

حدیث با برکت امروز از کافی مرحوم کلینی است؛ ابواب یقین؛ حدیث از کشف حقایق، حضرت امام صادق علیه السلام است.

عنه، عن معلى، عن الحسن بن علي الوشاء، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام، و محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن أبي ولاد الحناط و عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «من صحبة يقين المرء المسلم أن لا يرضي الناس بسخط الله ولا يلومهم على ما لم يؤته الله، فإن الرزق لا يسوقه حرص حريص ولا يرده كراهية كاره، ولو أن أحدكم فر من رزقه كما يفر من الموت لأدرکه رزقه كما يدركه الموت، ثم قال: إن الله بعدله وقسطه جعل الروح والراحة في اليقين والرضا وجعل الهم والحزن في الشك والسخط. [1]»

واقعا جا دارد برای این حدیث، اعزهی اهل دقت و تأمل و فضل و حوزویان و دانشگاہیان، بررسی کارشناسانه و روان‌شناسانه و عارفانه و عالمانه داشته باشند. ترجمه روان حدیث این است که: خداوند به سبب عدلش و قسطش، روح و راحت و آسایش و آرامش را در یقین و رضا قرار داده است، و غم‌ها و ناراحتی‌ها را در شک و خشم قرار داده است؛ خداوند به اقتضای عدل و قسطش آرامش را در یقین و رضا و ناراحتی را در شک و خشم قرار داده است.

در روایات ظهور هست که «یملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا»، [2] در بحار و مجامع روایی هست. این روایات در مورد آمدن وجود نازنین حضرت علیه السلام هست.

1.2- تفاوت عدل با قسط، و ظلم با جور

با توجه به معنای روایت و دقت در درایة الحدیث، عدل و قسط، و ظلم و جور متفاوت است. هر دو مربوط به گرفتن حقوق دیگران است؛ ولی گاهی کسی حق کسی را برای خودش می‌گیرد و گاهی برای دیگری می‌گیرد؛ اولی ظلم است و دومی جور است؛ [3] تجاوز به حقوق دیگران، یا برای خودش است یا برای دیگران. عادل، کسی است که حق دیگری را برای خودش تصاحب نکند؛ و قاسط، کسی است که حق کسی را به کسی ندهد.

1.3- امام زمان علیه السلام، سبب برپایی عدل و قسط در برابر ظلم و جور

حضرت مهدی ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، نه حق کسی را به کسی می‌دهد و نه اجازه می‌دهد کسی به حقوق دیگران تجاوز کند؛ این عدل و قسط می‌شود؛ اینکه هم مراقب باشد که مردم، از تجاوز دیگران محفوظ باشند، و هم از تجاوز خودش محفوظ باشند. این، عادل و قاسط می‌شود.

خداوند طبق این حدیث، هم قاسط است و هم عادل است؛ همچنین حضرت مهدی علیه السلام که خلیفه الله است.

1.4- تفاوت رُوح با راحت

در این حدیث، خداوند، آسایش را در یقین و رضا قرار داده است. رُوح، آرامش معنوی و راحت، آسایش مادی است؛ ظاهراً در روایت، هم آرامش ظاهری و هم آرامش باطنی مطلوب است؛ راحت، برای جسم است و رُوح برای رُوح و روان است؛ و اینها در یقین و رضا است؛ یعنی اینکه انسان، اهل باور و رضا به مقدرات الهی باشد؛ و غم و اندوه را خداوند در شک و خشم قرار داده است.

1.5- حرام خواری و حرام کاری، عامل پیدایش مشکلات و بیماری‌هایی مانند کرونا

بنابراین می‌توانیم بگوییم در مشکلات و ناآرامی‌های بشر باید پناهگاهش، یقین و رضا و روح و قسط باشد. ما متأسفانه در سونامی کرونا قرار داریم که کشورهای مختلفی را فرا گرفته است؛ ما چه کنیم که عدل و قسط باشد و ظلمی نشود؟ باید یقین و رضا باشد؛ بگوییم خدا، خالق همه موجودات است. سونامی کرونا را از مخلوقات الهی بدانیم. یا بشر به حرام خواری که گوشت حرام خورد، یا حرام کاری و دغل و تصرف در برخی میکروب‌ها که به جان خودش انداخت. اولین ناآرامی برای کسی که مشکل ایجاد کرده، برای خودش است.

1.6- راهکارهای مقابله با مشکلات و بیماری کرونا

1.7- راهکار اول: یقین و رضایت به مقدرات خداوند

﴿وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ [4] خدا توانا است. بداند رازق اوست؛ بله، تلاش کند و با امکاناتی که دارد با نگرانی‌ها مبارزه کند؛ به مشکل بگوید، حل می‌کنیم. ﴿وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾؛ [5] خداوند وعده‌ای به ما داده است که رزق ما را تأمین کند. بزرگ‌ترین مشکل بشر در زمانه ما، بی‌اعتقایی، بی‌توجهی و بی‌رضایی از قضا و قدر الهی است. در زیارت امین الله

می‌خوانیم نفس مطمئنی بده که رضا داشته باشد [6]. به تعبیر آیه شریفه، انسان راضی، روح و ریحان دارد؛ [7] یا به تعبیر حدیث، روح و راحتی دارد.

1.8- راهکار دوم: اتکای به توانایی‌های درونی و بهره‌مندی از امکانات داخلی

باید طوری باشیم که در مقابل حوادث، آن قدر مقاومت داشته باشیم که به فرموده مقام معظم رهبری، اتکای به توانایی‌های درونی و باور و اعتقادات درونی داشته باشیم. به قدر امکاناتمان، خدا همه چیز را برای ما مسخر کرده است. ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾؛ [8] ویروس هم مسخر ما است.

1.9- سوء استفاده استکبار از بعضی از کسانی که از حوزه برخاسته‌اند و سوء عاقبت آنها

ان شاء الله دارایی و دانایی‌مان را ارج بنهیم. استکبار هم نمی‌تواند از این حوادث، سوء استفاده کند. متأسفانه برخی این قدر استکبار زده می‌شوند که خدای نخواستہ عمری نان امام زمان علیه‌السلام بخورند و در دامن معارف پرورش بیابند، ولی قدردان نباشند و عاقبت به خیر نشوند. در مصاحبه‌ای چند سال قبل گفتیم: اولین خواص که لغزید، شیطان بود؛ او که بلغزد، همه را می‌لغزاند؛ یقین و رضا، مانع لغزش می‌شود.

خدای نخواستہ جوزده و قدرت‌زده شویم، عبادت و عبودیت مخلصانه نباشد، استکبار، ما را شکار می‌کند؛ آنها با خدا مشکل دارند؛ با شیطان مشکل ندارند؛ خودشان شیطان بزرگ هستند. گاهی انسان در دامن شیطان می‌افتد؛ نعوذ بالله عاقبت به خیر نمی‌شود. خیلی نیاز به تأمل داریم. این قدر عاقبت نابه خیر می‌شود و عاقبت به شر می‌شود که در مقابل خون شهیدان که انسان عالم، مدادش افضل از خون شهدا است، با بیان و بنانش مقابل خون شهید بایستد؛ این سوء عاقبت است. خداوند به عظمت اولیای الهی حفظ کند.

2- خلاصه جلسه گذشته

در قراردادهای بر قراردادهای در بورس بودیم. در معاملات آتی یا اختیار معامله یا هر معامله‌ای که خریدار می‌خواهد خرید و فروش کند و در سررسید مشخص تسویه حساب کند، آیا اینها مشروعیت دارد یا خیر؟

یکی از اشکالات این بود که اگر دینی را به دینی بفروشد، کالی به کالی است و حرمت داشت؛ آیا کالی به کالی رخ نمی‌دهد؟ بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که با بیع، خودش را مدیون می‌کند؛ نه اینکه دینی را به دینی بفروشد؛ تخصصاً از کالی به کالی خارج است. روایاتی را خواندیم که استفاده می‌شد خرید و فروش، اشکالی ندارد. اقسام مختلف معامله را بیان کردیم. معاملات

انحصاری نیست؛ اختیاری است. باید ببینیم اختیار معامله و لو به نحو جدید که در بورس اتفاق می افتد، در زمان شارع نمونه داشته یا خیر؟ جایز است یا خیر؟
کلمات صاحب جواهر و صاحب مفتاح و سید یزدی و دیگران را خواندیم که معاملات، محصوره نیست؛ بلکه مشهوره و متداوله است.

3- اشکال: در معامله بر معامله که سررسید آن در آینده است، قبض و اقباض نیست

اشکال مهم دیگر این است که شاید کسی بگوید در معامله بر معامله، در قراردادی که معامله گر با کارگزار یا بورس یا با هم بستند و سررسید مشخص دارد؛ و معمولاً سررسیدهای مشخص قراردادهای، با داد و ستد ثمن و مثن یا کالا و اوراق بهادار برای این است که تلاش می کند که طمأنینه برای صاحب ملک باشد. قدیم، ثمره را قبل از اینکه به ثمر برسد، باغدار خرید و فروش می کرد.

اشکال مهم این است که در معامله بر معامله با سررسید مشخص، این مشکل رخ نمی دهد که بیع باید در آن قبض و اقباض باشد؛ اینجا قبض و اقباضی وجود ندارد؛ قبل حلول اجل، قبض و اقباضی نیست؛ ولی خرید و فروش انجام می دهد؛ این باعث بطلان معامله نیست؟ صاحب مفتاح الکرامة و مرحوم محقق و شیخ یوسف بحرانی، نقل اجماع کردند که بیع سلف قبل حلول الأجل جایز نیست؛ سلم و سلف یکی است.

4- جواب

4.1- جواب اول: ما اجماع را دلیل مستقل نمی دانیم

با کمال معذرت، اختلاف مبنايي داریم و یک بنایی؛ اولاً: ما اجماع را دلیل مستقل نمی دانیم؛ دلیل ضمنی و ملازمه ای در ضمن سنت است و حجت نیست؛ بر فرض که قائل به حجیت اجماع شویم، قابل اثبات نیست؛ اجماع ثابت نمی شود.

4.2- جواب دوم: در معامله سلف هم چون معامله قسطی از ثمن است، قابل قبض و اقباض

است

ثانیا: عرض ما این است که در بیع سلم که می گوئید: بیع قبل از حلول زمان مدتش، صحیح نیست؛ و ما عرض مان این است که در اینجا معامله ای صورت گرفته است که خود این معامله هم قسطی از ثمن است؛ و در اختیارش است و قابل قبض و اقباض است؛ مثلاً خرید و فروشی بر کالا یا سهامی صورت می گیرد؛ مدت تسویه حساب نهایی نرسیده است؛ چیزی را یا نقدی و

فیزیکی می‌گیرد و یا کالایی و سهامی را می‌گیرد و یا نقدی، تسویه حساب می‌کند و تسویه حساب نهایی، زمان رسیدن سررسید، تسویه می‌کند.

4.2.1- مثال خارج از بورس

مثلا کاسبی برای معامله‌ای می‌رود و جنسی می‌خرد و به بائع می‌گوید: ثمن این را که به شما می‌دهم، آخر کار با شما تسویه می‌کنم؛ همان‌طور که در بازار متداول است؛ جنس‌های نسویه می‌آورند و تسویه می‌کنند؛ کسی نگفته این باطل است.

4.3- جواب سوم: حل اشکال عدم قبض و اقباض در معامله دوم از طریق صلح یا هبه معوضه

ثالثا: هم برای قبض و عدم قبض مؤثر است و هم رد اشکال اول است. ما داریم بیع کالی به کالی، حرام است؛ اما مصالحه، مرابحه؛ و صلح همان‌طور که فرع بر اختلاف است، ابتداء هم مصالحه جایز است؛ در این صورت، صلح کالی به کالی جایز است. بر فرض که بگویید عدم صحت معامله، در معامله سلم قبل از حلول اجل است، و اجماع است که باید قبض صورت بگیرد، ما می‌گوییم که معامله دوم بر اساس صلح است. راه برون‌رفت در فقه زیاد است. یا راه سومی را پیشنهاد می‌کنیم؛ بگوییم: بیع نیست تا اشکال شما در معاملات بعدی پیش بیاید؛ بلکه هبه معوضه باشد؛ کسی که کالا و سهام را خرید و فروش می‌کند، در واقع دارد هبه معوضه می‌کند. برای بورس‌داران و کسانی که در بورس معامله می‌کنند، باید آشنایی با فقه و فقهات داشته باشند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «الفقه ثم المتجر»؛ [9] اول باید پیشنیاز آگاهی باشد، بعد نیاز تجارت‌شان باشد؛ باید بدانند در معامله‌ای بیع صورت نگیرد، اما هبه معوضه باشد، اشکالی ندارد؛ درست است نتیجه یکی است، اما طریق دو تا است.

من با کمال صراحت عرض می‌کنم اسلام بن بست ندارد؛ چرا که اسلام جهانی و جاودانی و همگانی است.

4.4- جواب چهارم: صحت معامله بر معامله با سررسید در آینده در روایات

رابعا: اصلا روایات و اخبار را داریم که چنین معامله‌ای اشکال ندارد؛ یعنی سنت؛ این روایات هم صحیح است. برخی را خواندیم و برخی دیگر هم عرض می‌کنیم و بحث را تمام می‌کنیم. شما این روایات را ملاحظه کنید.

4.4.1- روایت اول

باب جواز بیع المبیع قبل قبضه علی کراهیه ان کان مما یکال أو یوزن الا أن یولیه ، وجواز الحواله به

محمد بن علی بن الحسین باسناده عن منصور بن حازم ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: « إذا اشتریت متاعا فیہ کیل أو وزن فلا تبعه حتی تقبضه إلا أن تولیه، فإذا لم یکن فیہ کیل ولا وزن فبعه، یعنی: انه یوکل المشتري بقبضه [10]. »

از این روایت استفاده می‌شود که معامله فقط نباید ربوی باشد و بیع التولیه اشکال ندارد.

4.4.2-روایت دوم

وعنه، عن علي بن النعمان، عن معاوية بن وهب قال: « سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يبيع البیع قبل أن يقبضه، فقال: ما لم یکن کیل أو وزن فلا تبعه حتی تکيله أو تزنه إلا أن تولیه الذي قام علیه [11]. »

بیع تولیه را خواندیم و اصطلاحش را می‌دانید.

4.4.3-روایت سوم

صحيحه ابو بصير

وعنه، عن القاسم بن محمد، عن علي، عن أبي بصير قال: « سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل اشترى طعاما ثم باعه قبل أن يکیله ، قال : لا یعجبني أن یبيع کیلا أو وزنا قبل أن یکیله أو یزنه ، إلا أن یولیه کما اشتراه إذا لم یربح فیہ أو یضع. وما کان من شيء عنده لیس بکیل ولا وزن فلا بأس أن یبیعه قبل أن یقبضه [12]. »

علی بن ابی حمزه را برخی اشکال گرفته‌اند.

اوراق بهادار و کالاها حداقل در بعضی از جهات موزون نیست. از این روایات می‌توانیم استفاده کنیم که این معاملات اشکالی ندارد.

4.4.4-روایت چهارم

روایت بعدی صحیحه حلبی است که صریح تر است.

وإسناده عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: « سألته عن الرجل يشتري الثمرة ثم یبیعها قبل أن يأخذها؟ قال : لا بأس به إن وجد بها ربحا فلیبع [13]. »

اگر سود دارد، اشکالی ندارد.

ما از این روایات استفاده می‌کنیم که در قراردادهای آتی قبل از سررسید، خرید و فروش اشکالی ندارد.

5- نتیجه

ما به این نتیجه رسیدیم؛ البته اگر کسی به این نتیجه رسید که اینها بر اساس اجماع، بیع ما لم یقبض است، باید طبق مبنای خود عمل کنند. ما اجماع را حجت نمی‌دانیم و واقع شده نمی‌دانیم و روایات را صریح در این جهت می‌دانیم که خرید و فروش قبل از زمان سررسید اشکالی ندارد.

6- اشاره به بحث آینده: مشروعیت تسویه حساب‌ها

بحث بعدی باید ببینیم که آیا تسویه حساب‌ها هم مشروعیت دارد یا خیر؟ اجمالا می‌گوییم تسویه حساب‌ها مشروعیت دارد؛ چه خودش تسویه کند و چه به دیگری وکالت دهد. ما تصریح می‌کنیم در بورس اختلافات مختلفی است؛ همه اش ذهن ما به خرید و فروش نیست؛ وکالت و اباحه تصرف و قرض و صلح و عناوین و مفاهیم مختلف هست که باید توجه کرد. بورس‌بازها باید آگاهی به این جهات داشته باشند تا حرمتی واقع نشود.

[1] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۵۷.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۳۶، ص ۲۲۶.

[3] پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیه الله مکارم شیرازی، فرق ظلم و جور در احادیث ظهور.

[4] حدید/سوره ۵۷، آیه ۲.

[5] ذاریات/سوره ۵۱، آیه ۲۲.

[6] کلیات مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۳۵۰.

[7] واقعه/سوره ۵۶، آیه ۸۹.

[8] جائیه/سوره ۴۵، آیه ۱۳.

[9] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۱، أبواب آداب التجارة، باب ۱، ح ۱، ط آل البيت.

[10] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٦٥، أبواب أحكام العقود، باب ١٦، ح ١، ط آل البيت.

[11] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٦٨، أبواب أحكام العقود، باب ١٦، ح ١١، ط آل البيت.

[12] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٦٩، أبواب أحكام العقود، باب ١٦، ح ١٦، ط آل البيت.

[13] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٦٦، أبواب أحكام العقود، باب ١٦، ح ٤، ط آل البيت.